

حسام الدین

حافظ مشنوی معنوی

کاظم محمدی

www.ketab.ir



www.ketab.ir

سرشناسه : محمدی، کاظم، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدید آور : حسام الدین خالق مثنوی / کاظم محمدی

مشخصات نشر : کرج: نجم کبری.

مشخصات ظاهری : ۲۰۵ ص:؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۷۸۷-۲-۶

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۸۹] - ۱۹۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت : نمایه.

عنوان دیگر : حسام الدین خالق مثنوی معنوی..

موضوع : حسام الدین چلبی، حسن بن محمد، ۶۲۲ - ۶۸۳ق.

موضوع : مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. مثنوی -- نقد و تفسیر

موضوع : Mowlavi, Jalaloddin Muhammad ibn Muhammad, 1207-1273 .

Masnavi-- Criticism and interpretation

رده بندی کنگره : PIR۵۳۰۱

رده بندی دیویی : ۸۱/۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۵۵۱۰۵

www.ketab.ir

نام کتاب : حسام‌الدین خاقلی کبری معنوی

نویسنده : کاظم محمدی

انتشارات : نجم کبری

چاپ و صحافی : یوتاب

تیراژ : ۲۰۰

چاپ اول : ۱۳۸۵

نوبت چاپ : پنجم ۱۴۰۳

قیمت : ۱۵۰۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۷۸۷-۲-۶

ناشر برتر البرز در سال ۱۳۹۴ و ناشر برتر زنان در نهمین همایش بانوان ناشر در سال ۱۳۹۶

فهرست

۷	مقدمه ناشر
۹	مقدمه مؤلف
۱۵	تمهید
۲۰	موسیقی و سماع کیهانی
۳۰	سخن اصلی مولانا
۳۶	چرا و چگونه مثنوی سروده شد؟
۴۲	آب و تشنه
۵۱	انگیزه‌ی خلق مثنوی در نظر مولانا
۵۵	شمس تبریزی و حسام الدین
۶۱	حسام الدین ولی خدا
۶۳	حسام الدین و آداب شریعت
۶۷	خلافت حسام الدین
۸۹	مولانا سجاده به دوش حسام الدین
۹۱	اعتقاد تام مولانا به حسام الدین
۹۴	تقاضای حسام الدین برای سرودن مثنوی
۱۰۱	مثنوی همان نی نامه است
۱۰۳	حسام الدین شاه عالم معناست
۱۳۱	میریدان مولانا
۱۶۳	حسام الدین و اشراف بر عالم معنی
۱۷۰	مولانا، حسام، مثنوی
۱۸۹	کتابنامه
۱۹۵	نمایه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾

سوگند به قلم خنجر همیشه برکشیده بر گردن جهل زمان،
و آنچه که می نویسد.

عزیزان!

فرهنگفران!

فرهیختگان!

آنچه که در برابر دیدگان گرامی شما قرار گرفته است متن
درس‌هایی است که از استاد فرهیخته و دانشمند قرآن‌پژوه و عرفان‌شناس
جناب آقای کاظم محمدی در مراکز و مؤسسات فرهنگی، دانشگاه‌ها
و شبکه‌های داخلی و خارجی تلویزیون جمهوری اسلامی ایران (جام
جم، برای کشورهای اروپا، آسیا و آمریکا) مکرر پخش شده و مخاطبین
بسیار زیادی نیز داشته است و بسیاری تحت تأثیر این مطالب دقیق قرآنی
قرار گرفته و از آن بهره‌های فراوانی برده‌اند. لذا ما بر آن شدیم که برای
نخستین بار این مباحث را که یکی از موضوعات مهم قرآنی و عرفانی
است چاپ و منتشر سازیم، البته با تقاضا و اصرار زیاد این انتشارات و نیز
با اجازه‌ی مستقیم و عنایت نامبرده. براین اساس این متن از روی نوارهای

مربوطه پیاده شده و با تغییرات و ویرایشی که توسط استاد صورت گرفته به شکل فعلی در آمده است. و قابل ذکر است که درباره‌ی حسام‌الدین چلبی تاکنون هیچ کتابی مستقلاً نوشته نشده و این کتاب که هم اکنون پیش روی شماست به مانند بسیاری دیگر از آثار استاد محمدی به مانند: شبلی مجنون عاقل، علاءالدوله‌ی سمنانی، و نجم‌الدین کبری برای بار اول است که به طور گسترده تحقیق شده و به نگارش در آمده است. و این انتشارات نیز این افتخار را دارد که ناشر آثار گرانسنگ عرفانی و دین پژوهی این استاد فرزانه باشد.

امیدمان این است که مورد رضایت محققان علوم قرآنی و عرفانی قرار بگیرد. از خداوند مَنان هم در این باره توفیقات و استقامت در راه مستقیم را طلب می‌کنیم و امیدوار هستیم که به مدد دانشوران صاحب‌دل و مشتاقان معنویت بتوانیم کارهای بنیادینی را با گام‌های بلند و استوار در راه تحقق آرمان‌های بلند دین، ایمان، عدل، تشیع، قرآن و عرفان که به کمال و سعادت همیشگی انسان می‌انجامد برداریم. انتشارات نجم کبری افتخار دارد که این بحث تحقیقی و کاملاً علمی را به هم‌همی مشتاقان عرفان و مولوی‌شناسی ارائه نماید، باشد که مقبول افتد.

با سپاس

انتشارات نجم کبری

مقدمه

من غلام آن که اندر هر رباط
خوش را واصل نداند بر سماط
بسزای آن که بیاید ترک کرد
تا به مسکن در آمد یک روز میرد^۱

سخن گفتن و نوشتن از حضرت مولانا جلال‌الدین محمد مولوی خراسانی کاری است هم سهل و آسان و هم بسیار سخت و دشوار. آسان است به خاطر این که ده‌ها شرح و صدها کتاب درباره‌ی زندگی، اندیشه، و عرفان و سلوک عرفانی او به رشته‌ی تحریر درآمده است. و اما سخت است به واسطه‌ی این که خود مولانا می‌گوید آنچه که شما دارید می‌بینید صورت و ظاهر مثنوی، و لایه‌های روین اندیشه‌های من است و آنچه که من گفته‌ام با آنکه در این مجموعه هم اشاراتی از آن

۱- مثنوی، دفتر اول، ابیات ۳۲۶۰-۳۲۶۱.

وجود دارد ولی در عین حال بسیار پنهان و نهانی است. این رازآلودگی که در کلام همه‌ی عارفان وجود دارد دست یافتن به مقصد و کنه آرا و اندیشه‌های ایشان را بسیار دشوار و دیریاب می‌سازد. چه، خود مولانا با صراحت تمام در مثنوی خود می‌گوید برخی از کلمات من معنایی غیر از ظاهرشان را دارد. و نیز بیان می‌کند که اولیای الهی و گاه خود خداوند در مسیر حقیقت نعل وارونه می‌زنند تا آنان که محرم این راه نیستند گمراه گردند. و آنانی که با راه و شیوه‌های سلوک آشنایند و نیز دارای راهنما و مرشدی دانا هستند می‌دانند که مراد از این کلمات چیست و هرگز با ظاهر آن به خطا نمی‌افتند. مولانا خود می‌گوید:

من حول گویم لب دریا بود

من حول گویم مراد آلا بود

آنچه که سبب می‌شود مولانا و همه‌ی عارفان در پرده سخن بگویند و در حفاظ الفاظ و کلمات، رازهای خویشتن را پنهان سازند این است که بخشی از این مسائل امانت‌های حضرت حق است که جز بر اهل آن حرام است که گشوده گردد، و لذا تا جایی که مقدور باشد در پیچش‌های سخت واژگانی قرار می‌گیرد تا برای غیر اهل، ملالت و کسالت آورد و از استقبال و جست‌وجوی آن سرباز زند. از طرفی هم چیزی که سبب می‌شود کار پژوهش درباره‌ی زندگی و بررسی آرا و اندیشه‌های مولانا دشوار گردد وجود همین نوشته‌های نویسندگان است. مولانا از پیش هم این را پیش‌بینی کرده بود که می‌گفت:

من به هر جمعیتی نالان شدم

جفت بد حالان و خوش حالان شدم
 هر کسی از ظنّ خود شد یار من
 از درون من نجست اسرار من^۱

به راستی این یک خیال خواهد بود که هر کسی بپندارد که همراز مولانا گشته است. همزبانی با مولانا هم بسیار سخت است تا چه رسد به همراز گشتن با آن اقیانوس مواج و خروشان و ناآرام. شناخت مولانا بدون شناخت دریا کاری است ناشدنی که او خود را گاه دریا و گاه دریایی می‌داند. آن کس که از آب می‌گریزد کی قادر خواهد بود که به شناخت مولانا نایل آید؟! غیر از این چیز دیگری که هست و باید در مثنوی و مولوی پژوهی به آن دقت کرد این که بسیاری از کتاب‌ها و نوشته‌هایی که در باره مولانا و زندگی و سلوک او نوشته شده است دارای اغلاط بزرگ و فاجعه‌آلودی است. و بسیاری نیز فقط از نوع کپی برداری است. به صرف نوشتن اجزای در جرگه‌ی مولوی پژوهان درآمدن است. وجود بسیاری از این رساله‌ها و کتاب‌ها جزو زائداتی است که توجه به آن از شفافیت فهم بهتر مثنوی و شناخت مولانا می‌کاهد.

در بین آثار فراوانی که در این باره چاپ و منتشر شده است کمتر کتابی است که کشف راز در آن صورت گرفته باشد. در بین این همه شعری که در مثنوی و همین‌طور در دیوان کبیر وجود دارد در خلال نوشته‌ها و سخنان کسانی که به عنوان مولوی پژوهی شهرت یافته‌اند از کمترینشان بهره برده شده است و بیشترینشان معمولاً بلا استفاده مانده و

حتا بسیاری از مدعیان در این رابطه نمی‌توانند وزن‌های شعری دیوان کبیر را به درستی بخوانند. در بزرگداشت مولانا که در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه تهران برگزار شد با وجودی که اکثر کسانی که در این باره اندیشیده و قلم زده بودند حاضر شده بودند در عین حال مطالبی که مذکور شد در آنجا به عیان محقق گشت. اول این که بسیاری از سخنان تکراری و دور از پژوهش‌های تازه بود. دیگر این که تعداد غزلیاتی که از دیوان کبیر در این مراسم سه روزه خوانده شد شاید از ۲۰ و یا ۳۰ غزل آن هم از غزلیات مشهور فراتر نمی‌رفت. تازه آدمی به حیرت می‌افتد از کسانی که اسم و رسمی هم دارند و جزو مدعیان این راه هم هستند ولی آنجا که سخن مولانا و مرام و سلوک مولانا است از آنها یا غافلند و یا اطلاعاتی ندارند.

نکته دیگری که در این مقاله باید به آن اشاره شود این که شناخت مولانا به طور نسبی آن هم فقط از طریق خود او بایسته و شایسته است. این شناخت نسبی هم معلوم است که باید در تحلیل نوشته‌های نظم و نثر مولانا جستجو شود. شناخت مثنوی بدون شناخت دیوان کبیر کاری است خام و ناقص. چه، شرح بسیاری از کلمات و ابیات مثنوی در دیوان کبیر و بالعکس آن هم وجود دارد. و کسان بسیاری هم که مولانا را تگه باره کرده و لاقول برای او دو شخصیت قائل شده‌اند و گفته‌اند مولانای مثنوی با مولانای دیوان شمس فرق دارد و چونان احوالانی که مولانا از آنان همواره پرهیز می‌دهد به مولانا می‌نگرند و قدرت تحقیق ایشان به شناخت توحیدی شخص عارفی که دارای انسجام کامل شخصیت است نمی‌رسد.

به هر جهت آنچه که ما در این سلسله مباحث که وعده کرده بودیم

به هفتاد بحث برسد آنچه که جزو اساس مباحث مولوی‌شناسی و مثنوی‌پژوهی به حساب می‌آید در این مباحث به طور خلاصه ولی با دقت و مستند به آثار خود مولانا مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌ایم. این هفتاد موضوع که بسیاری از آنها جزو مسائل تازه در مباحث تحقیقی مولوی‌شناسی است با بررسی آرای خود مولانا و نیز بررسی آرا و اندیشه‌های کسانی که در این باره اظهار نظر کرده، کتاب نوشته، و یا سخنی از ایشان در این باره وجود دارد را به کار گرفته‌ایم. و در بین بحث آنچه که درباره‌ی مولانا به غلط و بدون استناد نقل و ثبت شده را نقد و آنچه که به صحت مقرون بوده و با آثار مولانا هم می‌شد آن را اثبات کرد آورده‌ایم.

بدیهی است که این مجموعه نیز نمی‌تواند مدعی این باشد که هر چه که درباره‌ی مولانا گفتنی است، ولی امید دارد که با دقتی که صرف آن شده است به عنوان مرجعی قابل قبول برای اهل تحقیق در این باره به حساب آید. به ویژه برای جوانان مولوی‌شناسی که صادقانه مولانا را دوست دارند و آرزوی بررسی و فهم اندیشه‌های حضرت او را دارند. آنچه که در این مجموعه گرد آمده با توجه به زندگی سالکانه و عارفانه‌ی مولانا و این که او به شدت و تا آخر عمر پایبند دین و شریعت بوده ثبت شده است. و لذا از انحرافی که دانسته یا نادانسته، خواسته و یا ناخواسته برخی از سخنوران و نویسندگانی که درباره‌ی مولانا پژوهش می‌کنند در این مجموعه جلوگیری شده و آنچه که به اصل و اساس اندیشه و زندگی مولانا نزدیک‌تر و درست‌تر بوده اساس قرار گرفته است. امید است که مورد رضایت حضرت حق، اولیای الهی، مشتاقان مولانا، و خود حضرت مولانا قرار گرفته باشد. در خاتمه‌ی این مقدمه با

توجه به ابیاتی از مثنوی مولانا، ضمن حمد و سپاس بی حد و کران و لحظه به لحظه از حضرت حق، به آن یگانه‌ی لا شریک می‌گوییم:

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن
مصلحی تو ای تو سلطان سخن
کیمیا داری که تبدیلش کنی
گرچه جوی خون بود نیل اش کنی
این چنین مینا گری ها کار توست
این چنین اکسیرها ز اسرار توست^۱

هوالمولی الحمید
کاظم محمدی

www.ketab.ir